



تیناجان! چرا به هنر دوبله علاقه مند شدی؟

فعالیت در این هنر برایم بسیار باارزش است. اعتماد به نفسی که در این هنر لازم است، مرا به آنچه می‌خواهم می‌رساند. اگر واقعاً به دوبله عشق داشته باشیم، می‌توانیم در آینده دوبلور، صدا بردار، مدیر دوبلاژ یا استاد دوبله شویم. به نظرم حالا که من به عنوان یک دختر کم سن و مستعد با نیت دوبله شدن به این عرصه پا گذاشته‌ام، باید به خواسته‌ام برسم، زیرا این توانایی را در خودم می‌بینم.

تاکنون در اجرای گفت‌وگوها اشتباه کرده‌ای؟

استرس اینکه پشت میکروفون دیالوگ را خراب نکنی، فرد را وادار به تیق زدن یا اشتباهات کوچک می‌کند. من هم چند مرتبه برایم پیش آمده است. اوایل که تیق می‌زدم، خیلی خجالت می‌کشیدم یا ادامه‌ی دیالوگ را نمی‌گفتم، اما به مرور هر مشکلی را که بین خواندن دیالوگ برایم رخ می‌داد، نادیده می‌گرفتم و در آرامش با ادامه‌ی گفت‌وگو و دقت بیشتر، سراغ کلمه‌های بعدی می‌رفتم. از ترم اول دوبله تا الان هم بنا به نظر استادم در چند صحنه دیالوگ نقش زن داشته‌ام، اما تاکنون نقش بچه اجرا نکرده‌ام.



از توانمندی‌ها، دوست داشتنی‌ها و هدف‌هایت برایمان بگو.

در جشن‌ها و مسابقاتی که در مدرسه برگزار می‌شد، در زمینه‌ی آشپزی، تحقیقات علمی و نقاشی شرکت داشته‌ام و در مجله‌ی کودکان «آبنبات» هم نقاشی من چند مرتبه منتشر شده است. از کودکی به خبرنگاری علاقه مند بودم، اما تاکنون فرصتی برای ورود به این حرفه پیدا نکرده‌ام.

با برنامه‌ریزی مناسب، هم به درس‌هایم می‌رسم هم به حرفه‌ی مورد علاقه‌ام. همیشه نمره‌ی «خیلی خوب» در درس‌هایم کسب کرده‌ام، به مطالعه‌ی کتاب‌های رمان، علمی تخیلی و روان‌شناسی هم علاقه‌مندم. اگر زمانی بخواهم فعالیت دیگری انجام دهم، حتماً در زمینه‌ی نقاشی، موسیقی و کتاب‌خوانی خواهد بود. این روزها بزرگ‌ترین هدفم پیشرفت در درس، گویندگی و خبرنگاری است. برای آینده هم تحصیل در رشته‌ی روان‌شناسی را می‌پسندم.

به دوستانم هم می‌گویم با درپیش گرفتن هدف‌های بزرگ، بیشترین دل‌مشغولی‌شان ساختن آینده‌ای روشن باشد.

از مادر و پدرم، استادم آقای یاسر رزاقی، معلم خانم مریم مقدّس زاده و مدیر دبستان سمیه، خانم سلطانی که در این مسیر مرا حمایت و تشویق کردند هم سپاسگزارم.